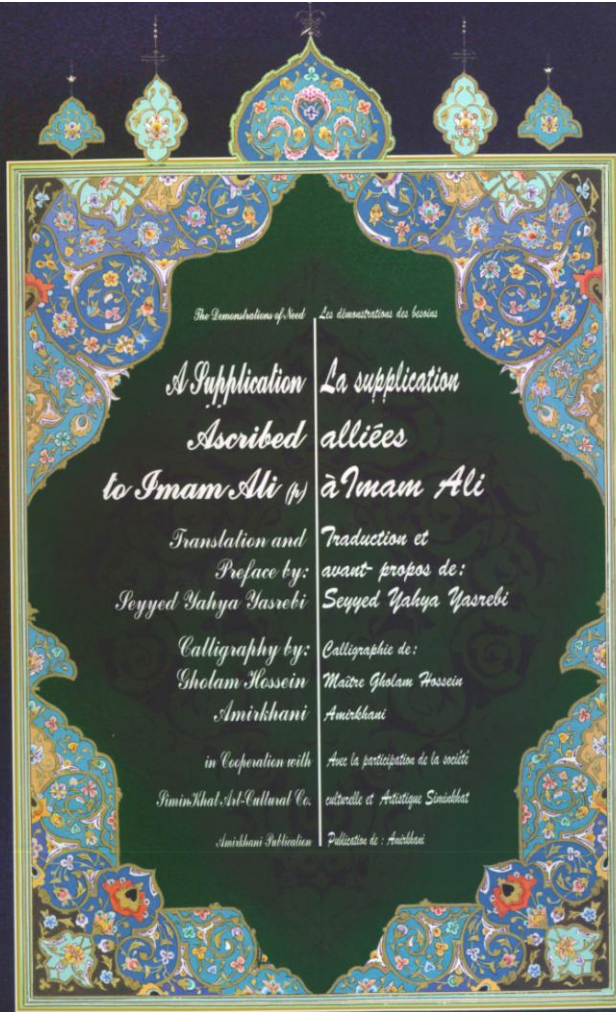


کتابخانه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فهرست

کتابخانه



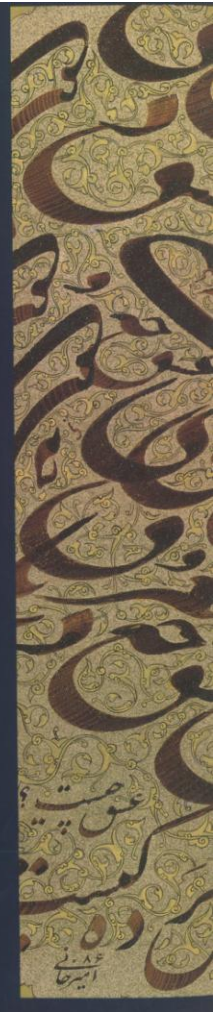
The Demonstrations of his
Les démonstrations des sciences

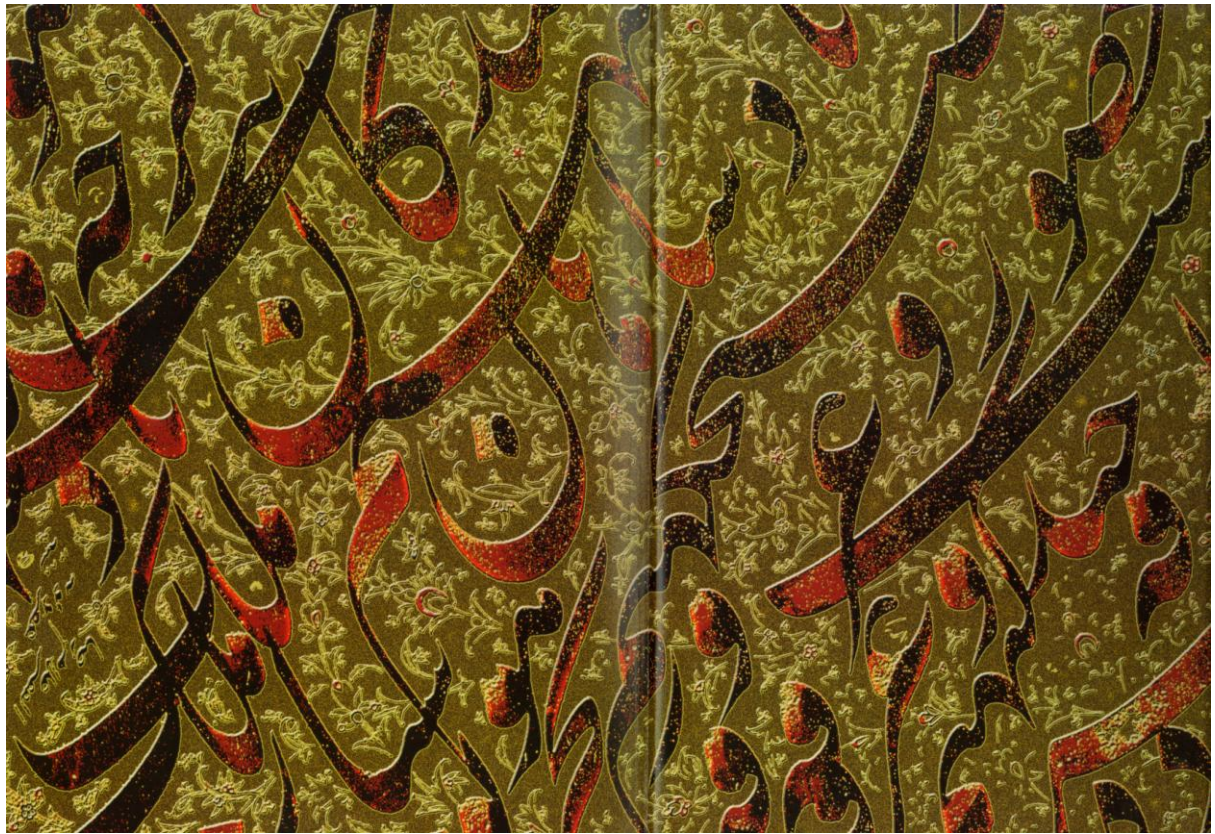
*A Supplication
Ascribed
to Imam Ali (ؑ)* *La supplication
alliée
à Imam Ali*

*Translation and
Preface by:* *Traduction et
avant-propos de:*
Seyyed Yahya Yasrebi *Seyyed Yahya Yasrebi*

Calligraphy by: *Calligraphie de:*
Gholam Hossein *Maître Gholam Hossein*
Amirkhani *Amirkhani*

in Cooperation with *Avec la participation de la société*
Simin Khayat Art-Cultural Co. *culturelle et Artistique Simin Khayat*
Amirkhani Publications *Publication de: Amirkhani*





الحمد لله
الرحمن الرحيم



جلوہ نامی یز

مناجات منظوم

منسوب بہ حضرت علیؑ

بامقدمہ و ترجمہ

دکتر سید یحییٰ شربی

غلام حسین ہرنہا

بہ تمام سرگشت و گم ہستی میں خط

از انتشارات

ایسر خانہ

نام کتاب : شهابیہ فی تفسیر جبریل علیہ السلام
 بچہ : استاد علامہ حسین امیر خاں
 مقدمہ و ترجمہ : دکتربیکہ بی بی شربی
 ترجمہ فرانس : احسان علی خاں
 بابہام : حمید رضا فیضی
 مدیر حسری : شرکت ذریعہ بنی سیدین خط
 مدیر تولید : جمشید یار شیر مرد
 مدیر جہانی : خلیل فریدی
 مدیر برون آثار : عارف باقی
 مدیر برون آثار : گلشن صلاح
 مدیر بروی جلد : گلشن صلاح
 اور نقی و افشارت چاپ : استاد علی شرف قزیری
 اسکن آثار : طراحان سیمین خط
 تہیہ فیروزیکت چاپ : تازنگ
 صحافی : تہیہ فیروزیکت چاپ
 نوبت چاپ : سید
 شمارگان : اولی پائیز ۸۶
 شابک : ۹۷۸۹۶۴۷۱۹۰۳۷۴
 نمبر : انتشارات امیر خاں
 مرکز خپش : ۰۲۱-۴۴۸۲۰۶۶۲



حق چاپ محفوظ و کلیه حقوق تهرت با استحقاق شرکت فنیکی هنری سیمین خط مشا.

هو

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

زیبایی های سحرآمیز خط نستعلیق
از تناسبات ایزدی آن تا انحنای پنهان در کلمات، جملات و
چلیپای رازگونه ای که در اجزاء آن موج می زند
به مرارت زمان و مجاهدت بزرگمردانی که
وجود و هستی خود را در جان قلم روان ساخته اند،
ایجاد شده و به ما رسیده است. در راستای
پاسداری از این میراث جاودانه و جادوانه،
شرکت فرهنگی هنری سیمین خط پای در عرصه
فرهنگ و هنر ایران زمین گذاشته و در مسیر تولید و انتشار
آثار مانا، ضمن تلاشی پیگیر، خدمت به
هنر دوستان و هنرمندان خوشنویس را مایه فخر و مباهات خود می داند.
آثار حاضر از جمله یادگارهای مذکور است که
به دست توانای استاد غلامحسین امیرخانی در صفحات ماندگار
"مناجات منظوم منسوب به حضرت علی علیه السلام"
تجسم یافته و با همراهی مقدمه و ترجمه فیلسوف بزرگ
جناب آقای دکتر سید یحیی یثربی،
لحظات شیرین معنوی را در تار و پود
تاریخ و هنر این سرزمین پیشکش عاشقان هنر
و شیفتگان فرهنگ می نماید.
امید آنکه با تلاش و همراهی دوستان همدل
همچنان شاهد آثار دیگری در آینده باشیم.

موسسه فرهنگی هنری سیمین خط
پاییز ۸۶ تهران

جلوہ گاہ
مازہ نیاز
عشق را بہ ماز تو بہر خط صد نیاز

بِطَافِ حَسَنَاتِ اَزْدِ كَارِ دُوسَرِ يَدِ بِرَحْمَتِ عِشْقِ اسْتَوَارَت . دُرُكِ شَرْقِ سُهْرِ دَرِ آدِهٔ کِه
دِرِ مَازِ دُرُجَاتِ سَهْسِ

هر درج بالائی درج پائین تر از خود قهر دارد و هر درج پائینی درج بالاتر از خود عشق می ورزد و سپس در جای گیر
این گفته را چنین تبیین کن کردوست «هر عات نسبت معبود خو محبت قهر دارد و هر معلولی نسبت بعلة خو محبت
ذات دارد» اگرچه محبت در هر طرف ذکر شد و است اما بطریقی این عنوان قهر و ذلت را اگرنا محبت عشق را
و اساس رابطه و یکدیگر خالق و محنوق را همین عشق بدانیم پس جلوه معنوق که اسرافش
جهان است از عشق است پس بی گمان عشق نخست از معنوق سرزده سپس در عاشق جلوه دیگر کرده است

در قرآن کریم آمده است : **يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّهُمْ** بومنه^۴، هدایت که محبت او
 رستگاریش از محبت ما بکلیه میشناسد یا نهی باشد. چنانکه بایزید عطاسی گفت :

» پس اسی سال کہ من اور امی طلبہ ہم
وانستم کہ او امری طلبہ ہند«^۵

از کجا و شریعت و ظاهر بارمانی که آسمان زمین توانست بر دار و انسان بر دشت بار و تکلیف «ست
از نظر طریقت باطن آن بر امانت جز بار «نار» معشوق نیست که برای حل آن «نیاز» می دوزد آن نار
لازم است؛ از میان موجودات زمین آسمان همدانسان است که می تواند چنین نیازی داشته باشد.

بنماییم کرشمه هزار جان طلبند نیاز اهل دل نیاز نازیشان بین
در کشاکش این نار و نیاز، گاهی چنان صحنه بر عاشق سنگ می گردد که قضا «الرجان برد»، باید گفت که:
عاشق نیست سنگ است؛ همین از است که بقول مولوی بیخ صادق از کاذب شدن می ترساند و می لرزد؛
من که باشم که بدرگاه تو بیخ صادق هست لرزان که مباد و آتش تو کذب کنی
و بقول سال الغیب حافظ:

چه جای من که ببرز و سپهر شعله باز از این جیل که در انبیا بهیشت
مناجات و حقیقت جلوه گاه و جلی این نار و نیاز است. اساس کار، کرشمه ناز است ز سوز گری نیاز چنان
درین مناجات منظوم منسوب به لاطی علیه السلام آمده است: «اگر هزار سال در آتش قدرت هم سوزم، آتش تو
دل برده داشته و ز مهربانی تو نا امید نمی گردم». هنر صلی و جوهر ذاتی انسان نیز در اینجا آشکار می گردد و
کرشمه های نلی و ابدی ناز تو کل بے آغاز و انجام داشته باشد.

ما برای من معشوق مرا پایان نیست هر چه آغاز ندارد سپید رود انجام
و همین نیست که در اشایسته مانده ای آن امانت سنگین که دوست؛ این عربی خواش «شال» و کدنیما
عاشق را از دگ و معشوق طبقه بندی کرده و یک بخش از آنها را در سوال است شال «می نامد یعنی عاشق چنان
دست کدنی می کشاید که معشوق بدن میل و علاقه دارد»^{۱۱}

چون طمع خواهد ز من سلطان این خاک برفرق قناعت بعد از این
اما بنظر من همه نیاز و سوالهای عاشق، نتیجه معلول نیاز معشوق اند؛ بخشی از آهست؛

بنابرین یکی از بهشت‌کوهرین بخت‌های زندگی هر کس بخت‌های مناجات است. در این بخت‌هاست که انسان
بامعشوق ازل و بیچاره «نیاز» برقرار می‌سازد و تا محلی برای ناز و پیش‌کشده معشوق ازل و بیچاره نیازیست
عشوه اجابت داده‌است که: «اودعونی استجب لکم» اما هدف اصلی، همین بی‌بخت‌ست و بس؛
دوست! ارم اگر لطف کنی یا کنی!

چنانکه مولای شب‌نده داران علی‌سلام در مقام عرض نیاز می‌گوید
با آتش تو زنت توان ساخت دلی با در و فراق ساختن نتوانم!
آری مناجات بی‌بخت‌هاست و نیاز و بی‌بخت‌هاست و همین هم هست، نه چیز دیگر؛
گر تو تنها پیش من باشی جهانی گویم باش!

جانی که بازوی غایت معشوق ناز باشد نیاز عاشق باشد و دل بخداید بیچاره عاشق از لب‌های لطف و رحمت معشوق
نوازش تمیاریابد، دیگر چه جای بهشت و دوزخ؟!
بازوی تو نواز باشم یا دایم! و ز نوشت لب نوازشم یا، آمین!

باشم طریس آن خوش‌گل، گوهر دو جهان فرموشم یا، آمین

کلمه پامانی آنکه شریعت بر فرمان حق و فرمانبرداری بنده است و راست‌آلای اساس طریقت همین کلمه پامانی است
یکایک انسان‌هاست. بنابرین مناجات و راز و نیاز هر کسی با خدای خود، تا آنجا که امکان داشته باشد و در دنیا
و خلوت در دل شب‌های تاریک باشد. چنانکه در سیره پشویان نیز، عبادت بیشتر حالت جمعی داشته است اما
مناجات در خلوت انجام پذیرفته است. از خلوت خارجاً، تا خلوت نخلت‌مان! در این خلوت‌هاست که
زبان عشق عرض نیاز می‌شکند و سپاس‌های بی‌شمار و شکایت‌های بی‌شمار و زچنان که عشق در میان عباد و رب معاشق و معشوق
و طرفه‌است ناز هم‌گای و طرفه می‌شود! یعنی عاشق نیز بهشتش ناز می‌کند: آری کس هم می‌تواند بهشت‌های
که قصه‌شکار و رازدار ندارد نکند!

یار دار و سرِ سیدِ حافظ یاران شاهبازی بشکارِ کسے می^{۱۵}
 و بیج جایِ شکفتنی نیست که کاهی سید ز پی صیاد دود^{۱۶}
 سائیمشوق اگر فتاد بر عاشق چه شد^{۱۷} مباد و مستاج بودیم او بماند قلی^{۱۸}
 اری عاشق در بهادیل که «غیرت» یکی از آهناست حتی کاهی از سایه دل دیده خود نیز گشت رده می جوید تا
 با او باشد و بس جزا کسی محرم این از دنیا زبانشد.
 ای دزد تو ام درمان در بسترِ ناکامی وی یاد تو ام بونس در گوشه تنهایی^{۱۹}
 اینک مناجات مولای تقیان علی با خطِ زیبای استاد امیر خانی پیشکشِ فضایی به شکوه و معنوی
 خلوت شما: با التماس دعا و کاو و خاکهای عاشقانِ شب‌نمده دارن.

سید محی‌الدین شیرازی

۱۳۸۶

۱. حافظ. ۲. سرور، دیبچی، مکتب‌الاشراق، قسم ۲، بخار. ۳. فصل ۵. ۴. جان فصل ۸. ۵. قرآن کریم، سوره نازعه، آیه ۵۴. ۶. خالکانی، دوست سید و دکان خوار. ۷. عزالی، احمد،
 سجع، فصل ۲۲. ۸. اصفهانی، ابوالخیر، عیون الاولیاء، ج ۱، ص ۲۹. ۹. قرآن کریم، سوره نازع، آیه ۷۴. ۱۰. حافظ. ۱۱. مناجات‌نامه، بیت ۱۰. ۱۲. حافظ. ۱۳. ابن‌ملک،
 بصیرت، ص ۱۴. ۱۴. مولی‌بستوی، دفتر ۵. ۱۵. قرآن کریم، سوره نازع، آیه ۶۰. ۱۶. مرقوم، سید محمد باقر، بی‌نظم. ۱۷. اشعار و نثری، زنگنه کیل، فصلی از بی‌نظمی، ص ۱۴. ۱۸. حافظ. ۱۹. حافظ.



ترجمہ مساجات مہربان علی

The Translation of a Versified Supplication Ascribed To
Imam Ali (p)

La traduction des prières alliées à
Imam Ali,
à qui soit toutes salutations

ای خدای بخشند و بزرگوار: می ستایم تو بزرگ و نجیب ای بر که خواهی بخشی و بر که خواهی باز
خداگانا: میدانم که بسی گناهکارم، با این همه به رحمت بی پایان تو امید دارم.

*O Thee the Dignified and the Merciful Allah, I pray Thee. Thou art the
Great and the Sacred. To every one Thou wiltst Thou bestow,
and devoid the one whom Thou wilt so.*

*O Master, I know that I am so sinful; however, so hopeful I am to enjoy
Your indefinite kindness.*

*Ô toi le généreux, le Noble,
Je t'adore, tu es le grand, le miséricordieux, tu confères qui tu désires et tu
dépourvu qui tu souhaites.*

*Ô Dieu
Je ne suis qu'un pécheur, et malgré cela, je n'attends que ta clémence.*

مُناجات منسوبٌ بحضرتِ بيوتِ اعلیٰ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعِزِّ

تَبَارَكَتْ تَعَطَّى مِنْ شَاءِ مَنْعٍ

إِلَهِي لِنُجَلِّتْ حَمْدِي

نَعْفُوكَ عَنْ ذُنُوبِي أَسْأَلُ

پروردگارا: من دل دنیا بسته و شیفته جاه و مال نیستم تو آنکه باشم یا تهیدست و دلاور و بی قرار
بارالها: اگر بنادانی از غش آماره فرمان بدم و خود را بکشد آلودم، اکنون شر مساروشیم
بارضایا: تو احوال پریشان را روزگارم آگاهی: و توای معرمان: را روزیاز نهانم شنوی

*O Lord, I have not tied my heart to the world, nor am I fascinated by
wealth and position. Wealthy or poor, I am in love with no one else but
with You.*

*O Lord, if I followed my earthly desires on ignorance and enthralled
myself to the sin, now I am repentant and ashamed.*

*O God, You are aware of my distraction, of my agitation. You O the Most
Kind, hear my secret silent praying.*

*Ô toi le tout puissant
Je ne me suis pas attaché aux biens de ce monde ni aux pouvoirs, que je sois riche
ou pauvre, je ne suis qu'impatient et je n'ai aucun but que toi.*

*Ô Dieu, mon Dieu
Si j'ai suivie mes désirs d'ignorance, et je suis devenu un pécheur,
je suis honteux et repentant.*

*Ô Seigneur
Tu connais mes désastres et mes agitations, toi ô Dieu, le généreux,
je suis repentant et tu entends les secrets de mon cœur.*

الہی خلالتے حُزنی و سوئے
الیک لای العسا و البساع
الہی لِعظمتِ نفسی لبوسا
فما انا فی رُوضِ لُبتِ اُتاع
الہی حای لے و قمری فاقی
وانت مُناجا لے بختِ سمع

خدای من! امیدم را ناامید مگردان و آواره و سرگردان نایم مکن
ای مهربان من! اگر تو مرا برانی دگر برویم بسبیدی. بکس پناه ببرم؟ اگر تو یاریم ندی یاری از کجایم؟
ای بخشایشگر! شستی خاک بمقدارم؛ بنیایک دگر قرار؛ تو سپاهم ده و از عذاب دورم برهان.

*O my God, I do beg You not to let my hope gone astray, not to leave me myself
wandered.*

*O You the Most Kind, if You reject me and close Your door on me, of whom then I
can ask for a shelter? And if You do not help me, of whom I can ask
for a hand?*

*O You the Felicitous One, I am but a worthless fist of a dust, aghast and entan-
gled by earthly things. Shelter me and detain me my deliverance from the Hell.*

*O mon Dieu,
Je met mes espoirs en toi, ne m'abandonne pas et ne me laisse pas seul.*

*O toi le bienveillant,
Si tu me chasses où puis-je trouver refuge et si tu ne m'aides pas
qui d'autre pourra m'aider?*

*O toi le clément,
Je ne suis qu'un poigné de terre, craintif et prisonnier de ce monde.
Je me réfugie en toi délivre moi de tourment de l'enfer.*

الہی منہ لا تقطع جا پے لا ترغ

فوادے فلفے فی سب حو رک مطمع

الہی لخن یستنی او طرد تے

فمن فی الذکے ارجو من دفع

الہی ارجی نے من عند اکب انہی

ایر نیل خائف لک خضع

بار پروردگار! در شب تاریک و بیادیم رس و در پانچ به پریشان، با درهای دُست، ابروین زبانه جاری
ای نگار! اگر نه از سال هم در آتش قهرت بسوزم از مهر بانی و محبت تو دل نمی گم و نماند می گم.
بار الهما! در آن در که نه مال کار آید و نه زین فرزند کاری بآید، تو، آری تو با هم بخشش و مرزش کام هم شیرین کن

O Lord, Give me Your hand in the deep darkness of my tomb and when being asked the questions (on the Judgment Day), fill my mind with the true words of faith and let them flow on my tongue.

O You the One, if I am to be burned for thousand years in the fire of Thy sultriness, never will I turn my hope from Thy kindness and affection, never do I get dejected.

O my Master, on the Day when neither the wealth nor the wife or children will be of any avail, You just You with Thy grace turn my fate into a sweet one.

*Ô toi le tout puissant,
Secours moi dans la nuit sombre de la tombe et en ce jugement dernier rempli
mon âme des réponses juste et permet moi de les délivrer.*

*Ô toi l'unique
Si je brûle durant mille ans dans le feu de ta colère,
je ne désespère pas de ta bienveillance et de ta miséricorde.*

*Ô Dieu,
Le jour où ni les biens ni femme et enfants ne me seront utiles, toi,
seulement toi avec ton pardon et ta miséricorde rend moi heureux.*

الهي وانسى تليقين حبي

اذ اكان لي في لست شروي و
مصحح

الهي لست بدتني الف حجة

فحبس رجائي منك لا
تقطع

الهي اذتني طعم عفوكم يوم لا

بنون ولا مال هنالك
ينفع

مهربانا: در چرخه کارهای تو بایستی گردام، اما در شش بساری و غدر خدای خود گم کردی.
 بارالها، تو دوستم گیر و بساییش با منم، زیرا جز آستان رحمت تو پناهگاهی ندارم.
 بار خدایا: میدانم که گناهایم اگر که همایست بگردانند، اما در برابر رحمت عظمت و جود رحمت تو وزنی ندارند!

O You the Benevolent, I have been heedless to virtue, but in showing that I am ashamed and in apologizing for this demerit, I will not be.
O Lord, take my hand and lead me into peace and serenity, since there is no shelter for me but that of Your Threshold of Kindness.
O God, I know that my sins are heavier than the mountains, but compared to the greatness of You and to the boundless glory of Your forgiveness, they are of no weight.

*O toi le clément,
 J'ai été ignorant dans l'abstinence, mais je ne le serai point dans
 la demande de ton pardon et de ta clémence.*
*O Dieu de Bonté,
 Prend ma main et accorde moi la paix éternelle, je n'ai aucun seuil
 afin de me réfugier excepte le tien.*
*O toi le plus sage,
 Je sais que mes péchés sont plus lourds que les montagnes,
 mais devant ta clémence et ton pardon n'ont aucun poids.*

اللى لفرجت فى طلبى

فما انا اشرع فوقه وارجع

اللى ابنى منك روحا وحمته

فلمست سوى ابواب فضلك ارفع

اللى نوبى بدت الطود وانا

صحكت عن نبي احب ارفع

خدی من، اگر تو چسب یا دهنکاران بری، از دیگران کاری بر نمی آید .
 پروردگارا! اگر تنها تو یارم باشی، از بندگان بی نیاز خواهم بود و اگر تو را نداشتم کسی دستم را نخواهد گرفت
 ای بندگانم! اگر چه به نادانی خطا کرده ام، اما چنان بخوازش که من تو را دل بسته ام و امید دارم که گمان می برند
 من را از این خطا بیستم!

*O my Lord, If You turn away from the sinful ones, no one else
 will be verily able to assist them.*

*O Lord, if You only be on my side, I will be in need of no one else. And if
 You don't, no one will be there to give me a hand.*

*O the Most-Merciful, though I have committed a sin on ignorance, so hope-
 ful I am to enjoy Your affection that others think me unconcerned about my
 flaws.*

Ô mon Dieu,

*Si tu ne viens pas au secours des ignorants et des pécheurs,
 qui d'autre pourrait les soutenir et les assister.*

Ô toi le bienveillant,

*Si tu sois mon seul bien aimé, je n'aurais nul besoin d'autrui,
 qui d'autre me soutiendrait si tu ne seras pas mon bien aimé.*

Ô toi le protecteur,

*Bien que j'aie commis des erreurs dans l'ignorance, mais j'ai tellement d'espoirs dans ta
 générosité et dans ton pardon que les autres croient que je ne suis pas inquiet de mes fautes.*

الهی اذالم تعف عنی یحسرن

فمن لم یسأ بالهوی یتع

الهی اذالم تر عنی کنت ضایعا

وان کنت ترعانی فلیتبع

الهی لئن اخطات جهلا فرمبا

برحمتک حتی قتل ما یوحی

خداوند! دیدگاهم از یاد آن شکست بارند، بیکدیگر چنان بایستخو و احسان تو می‌بستم سوز و رنجم آرام می‌گیرد،
 پروردگارا! اقرار به گناه در زبانم، عذاب و درد، بی‌تابانه روی تو آورده‌ام، گناهانم را بیاغز و از غم‌هایم بگذر،
 ای پناه‌بخش! اگر با خواری از دردت رانده شوم، چه توانم کرد و چه راه چاره‌ای خواهم داشت؟

*O Allah, my eyes are teary on recalling the sins I have committed, but
 when remembering Your forgiveness and kindness, the fire inside me
 will be extinguished.*

*O my Lord, with lips confessing to my sins and with a heart in fear of Your
 punishment, I have come to You. Forgive my sins. Forgive my faults.*

*O You the Shelter-Giver, if scornfully I am expelled from Your door, what
 can I do then and what other remedy or choice can I find?*

Ô Dieu,

*Lorsque je me souviens de mes péchés, je pleure des rivières et seulement en
 me souvenant de ta grâce et de ta bienfaisance, ma souffrance d'intérieur s'atténue.*

Ô Dieu de bienveillance,

*Je confesse tous mes péchés devant toi et j'ai de la peur dans le cœur, impatient,
 j'ai tourné mon visage vers toi, pardonne mes péchés et ignore mes fautes.*

Ô Dieu de bonté,

Si je suis chassé de ton seuil sacré, que puis-je faire et quel sera mon secours.

الہی نہی ذکر طو لک عوتسی

و ذکر اخطایا العین منے مع

الہی اقلنی عشرتے اومح جوبی

فاس نے مقرر خائف متضرع

الہی قصبتیں ہی اوہنتے

فماہی سلتی یارب اکم فیاض

بزرگ معبود! عاشقان شب نده درت را خوب در چشم نمی آید، با تو آزاری گویند و از تو چاره می جویند، در یک
 غافلان بیدار با جواب یکین هم انوشند .
 ای بنده پرور! امید هست تو مشرود و نجات میدهد، اگر چه زشتی گناه پرستی بد فرجای تنه میدم کی گشت .
 ای مهربان! بهجت فراگیر تو امید بسته اند که از نعت های بهشت برخوردار گردند .

*O You the Beloved, those sleepless lovers of You cannot take a rest at midnights.
 They tell their secrets to Thee and ask for remedy from Thee, while painless
 ignorant ones are in bed embracing a heavy dream.*

*O Master of the servants, the hope for Your mercy brings me the good news of
 coming to deliverance, though the hideous sins warn me of facing a mean doom.*

*O You the Most Compassionate, people have set their hope upon Your
 all-embracing kindness to enjoy Your Heavenly gifts.*

*Ô toi le créateur des mondes,
 Le sommeil ne vient point dans les yeux de tes amoureux,
 tandis que les ignorants se sont enfuis dans le sommeil d'insouciance.*

*Ô toi le compatissant,
 Ta miséricorde me donne l'espoir d'être sauvé, mais le poids de mes péchés
 m'inquiet du jugement dernier.*

*Ô toi le plus tendre,
 Tous se sont fixé le regard vers ta miséricorde afin qu'ils puissent
 être parmi les élus du paradis.*

الہی حلیف احب الیہا

نیاجے ویدعووا ^{لمغفیل} ^{اجمع}

الہی میننی رجائی سلامتہ

و شبح خطباتی علی شمع

و کلمہ ریوژواک استرجیا

رحمتک العظمیٰ فی محبتک ^{بطمیع}

بارالها! تنہارا نہ بچاؤں اگر نہ سنگینی گناہ نا بود و بچارہ نہ خواہد کرد .
 خدا کا نام! بحق محمد و آتش آن پاکان کہ بہ آستانت سرتسلیم دارند ،
 خداوند! بہ عزمت این عزیزان مرا بر دین محمد و وصفت تو بہ کاران پر نیکو کاران محسور گردان .

O Allah, unless You save me by Your forgiveness, I will be shattered into pieces under the heavy pressure of sins.

O my God, I take I swear to Mohammad and his household, those virtuous ones who have surrendered themselves to Your Threshold,

O Allah, I take swear to the sanctity of these dear ones, at the time of resurrection, as one to have faith in Mohammad, place me associated with those virtuous and those who repented.

*Ô seigneur de bonté,
 La seule voie de mon secours est ton pardon car le poids
 de mes péchés me détruira à jamais.*

*Ô Dieu de miséricorde,
 Je t'en supplie par ton bien aimé Mohammad et ses descendants et
 par tous ceux qui touchent ton seuil sacré.*

*Ô Dieu,
 Par l'estimes de ces Saints, permet moi de rester parmi ses croyants et dans
 le jugement dernier appelle moi de ceux qui sont disculpés et pardonnés.*

الہی فاتح فوفعوک منفتدی

والا فبالذنب المد مرصرع

الہی بحق الهاشمی وآلہ

وحرمة ابراہیم لک خضع

الہی فاشترینے علی دین اہل

منیبا تقیاً فاننا لک خضع

ای سرور دمی مولایم : مرا از شفاعت بزرگ آن بزرگوار محروم مکن .
خداوند ا، برای همیشه تا زمانی که یکتا پرستان است بر عباد داشته اند و یگان پاکان در رکوع و سجود خود
عرض نیازی نکنند ، بر محمد و آتش در روز فرست .

*O You the Superior and the Master, do not deprive me of the intercession of
that honorable one.*

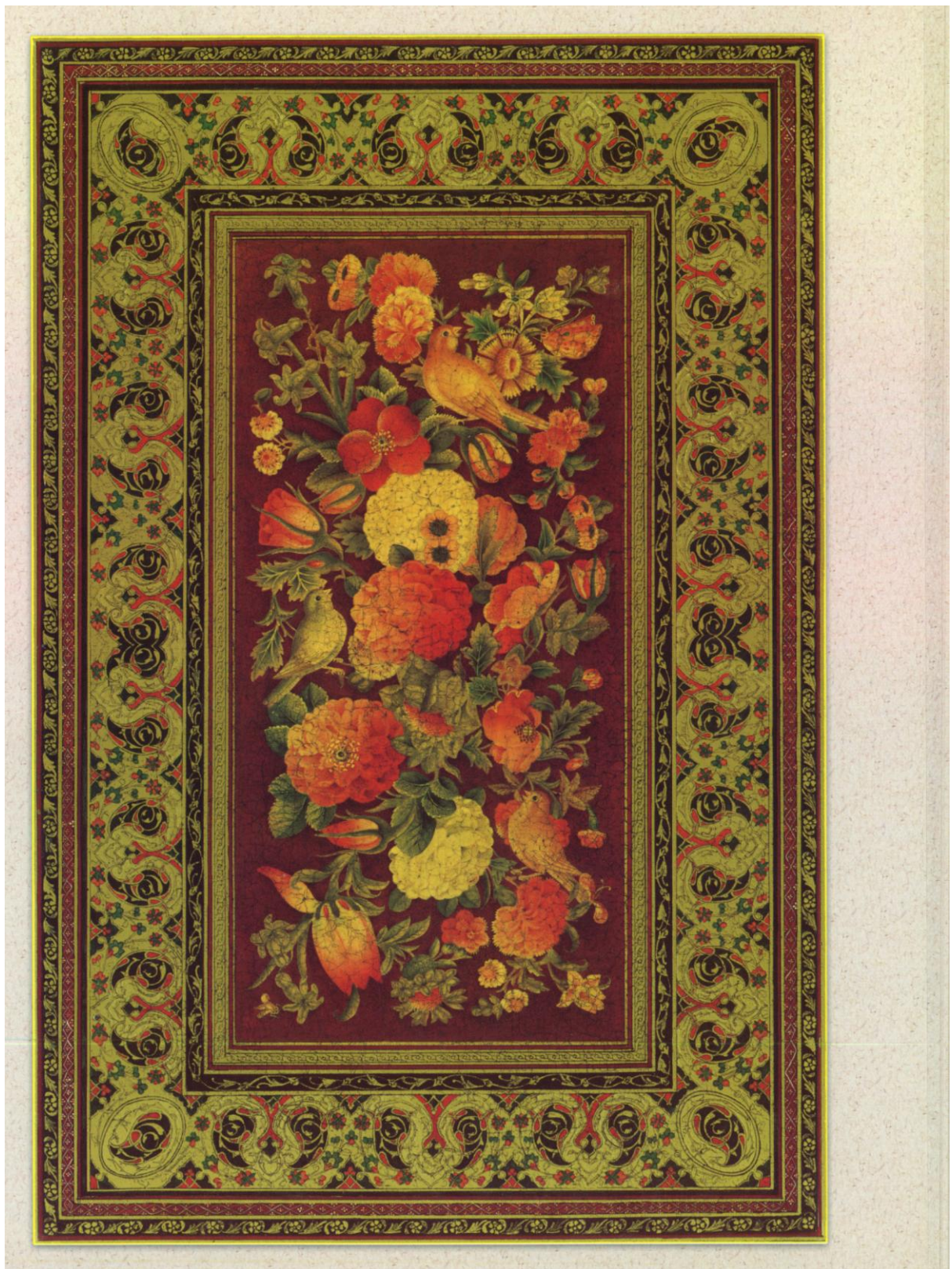
*O God, for always and till the time all monotheists have their hands
raised to pray, and till all the devout ones are in praying, salute a saluta-
tion to Mohammad and his household.*

*Ô toi le plus grand maître,
Je t'en supplie de ne pas me priver du soutien du plus grand donateur.*

*Ô toi le plus grand Saint,
Alors que les monothéistes lèvent les mains vers le ciel de ta bonté
et prient et que les saints et les élus se prosternent en te saluant, les plus
grands saluts soient à Mohammad et ses bien aimés pour toujours.*

وَمَا جِئَكَ إِلَّا بِتِلْكَ الْأَمْثَالِ لِقَوْمٍ أُولِي بُصَيْرٍ

چون
خود را ز اور و نهامات جانان
محببت مولی بسو او درین تاجی از کلاه
نرسد آنجا که دوست نیند که بر زبان استی آن دگر
معرف زارنه آثار بیعلی بر وی میر آید نیوی
از دلش می شود این سعادت بدین شهر کوثر از دریای شادمانی



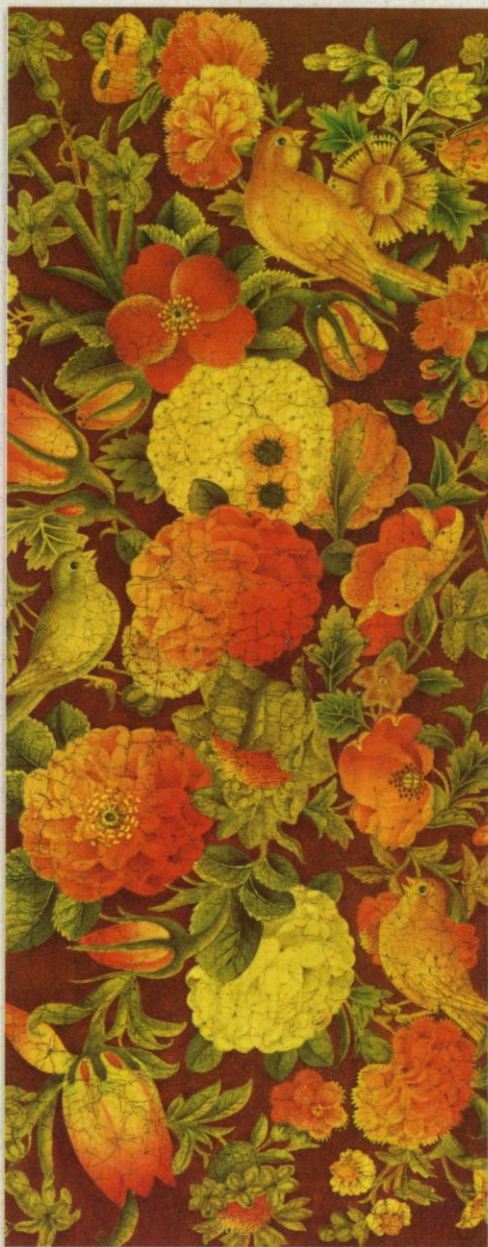
قطعات و فرامین



Cantos & Commandments



Les œuvres & Commandements

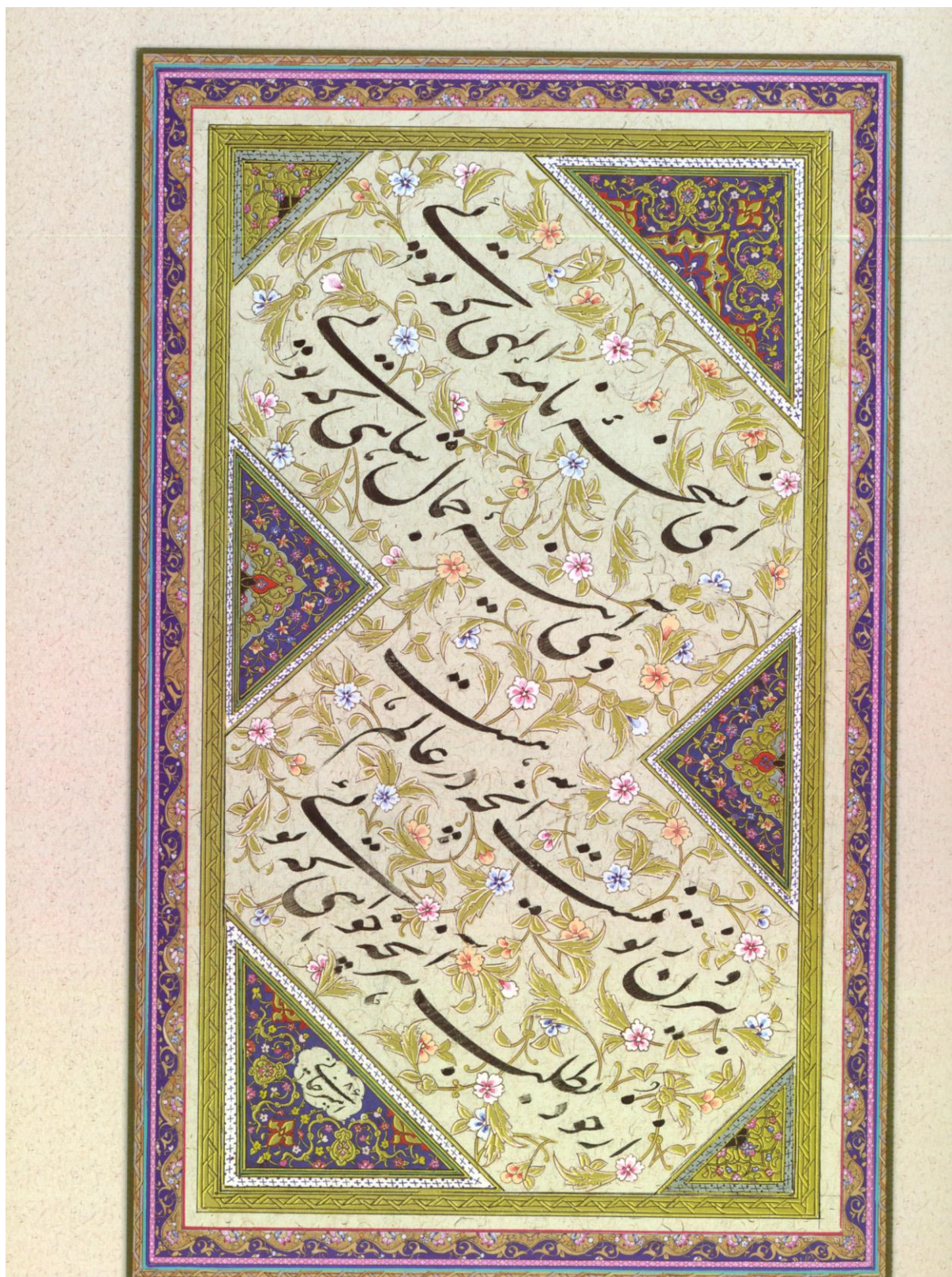


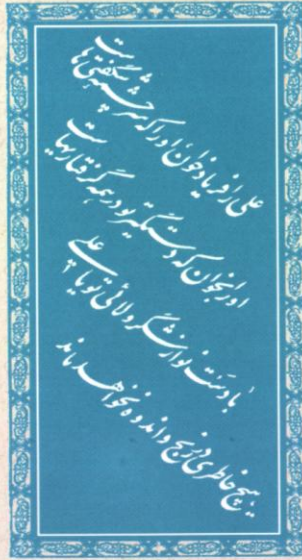


*O, the copy of the divine letter you are
O, the mirror of the King's face you are
Are inside you all that out in the world
Seek yourself. What you ask for you are*

*Toi, tu es la face révélée de la lettre divine
Toi, tu es le reflet de la beauté glorieux
Rien dans ce monde n'est en dehors de toi
Demande ce que tu souhaites, tout est en toi*



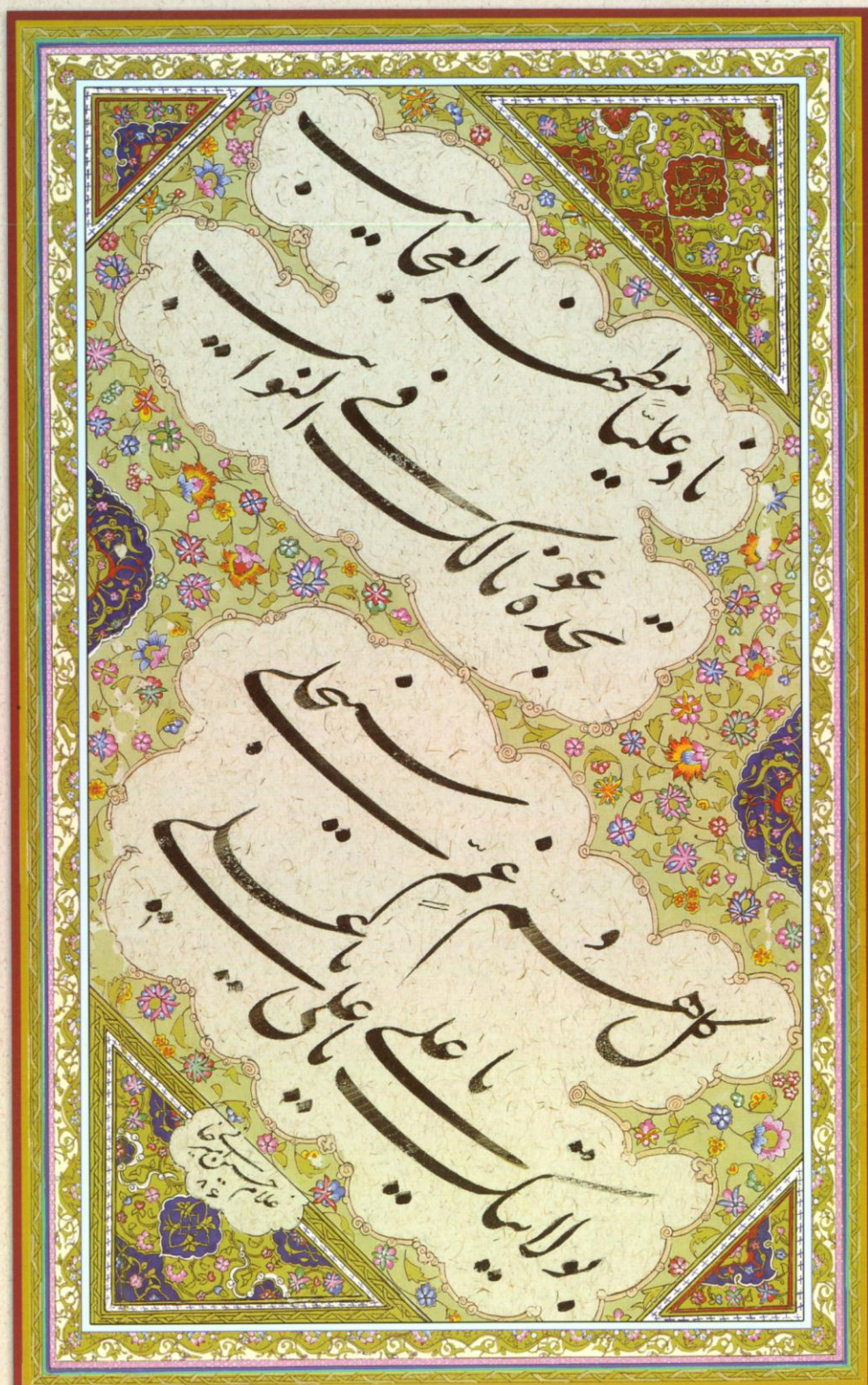


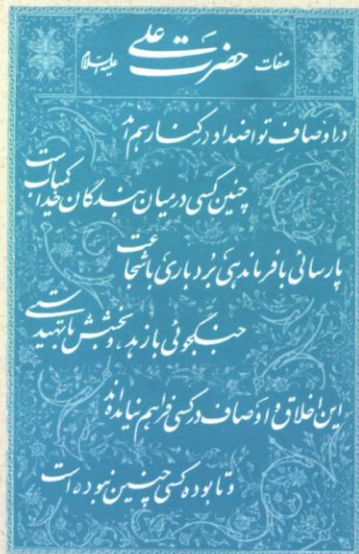


*Call Ali to help, that source of wonders
Call him who helps in your all disasters
Till your fondling hand is there, O Ali
In pain or grief no mind to surely*

*Dans les moments de détresses, souviens toi
De celui qui est la source d'étonnement, Ali
Appelle le, celui qui est, ton soutien dans les difficultés
Avec sa main caresseuse, que tu es grand ô Ali
Nul ne sera atteint de détresse et de tristesse*







Imam Ali's characteristics:

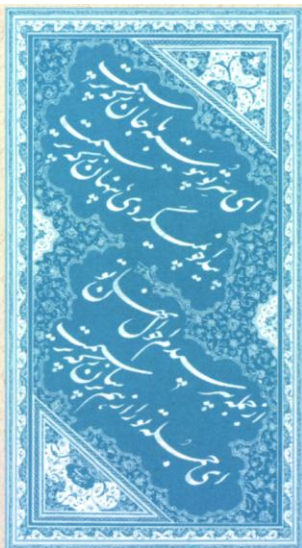
In telling of you, juxtaposed are paradoxes
 Among the God's creations this seems matchless
 Abstinence, ruling, patience and valor
 A merciful indigent, an abstinent warrior
 Gathered in one these features are not
 Till this moment one like you be not

Les qualités d'Imam Ali:

Dans ta description le bien et le mal sont réunis ô Ali,
 Jamais est mis au monde un être comparable à toi ô Ali,
 L'humilité et la patience, le courage et la commande
 La générosité et la munificence tous sont en toi
 Ces qualités ne sont jamais réunies en une personne
 La création n'a jamais vu en être comme toi

صفات حضرت علی
علیه السلام

جمعت فی صفاتک الاضداد
ولم تدعرت کک الاند
زهد حاکم سلم شجاع
فانت ناسک فقیر حوا
شیم مابین فی شر قط
ولا حار شلسن لبحر



Owhadi Maraghehei:
O You the Secret lied to the soul,
Of whom we can ask for You
When not finding You in public,
In secret how we can ask for You
All these we asked of Your secret life
How You are, where live You
They were asking You among them
Of whom I can ask for You

owhadi Maraghehi
Où te chercher en dehors de moi,
ô toi le secret de mon âme
Tu demeures introuvable en moi,
comment les autres pourront
me montrer tes secrets
J'ai demandé de tes secrets tout autour de moi
Chacun te cherche en vains,
ô toi qui es cherché par tous.

ای شریک در دیارستان که
باید و میباید جان که
از جمله پرستش و دل
ای که در دل از غم پرستش

ای شریک



Hafiz

*The parasites of love are Man and Angel
Of devotion show a bit if to happiness you appeal
If you are not invited to, do not ask for the union
Jam Grail is of no use, on being devoid of the vision*

Hafiz:

*L'homme et d'ange sont les parasites de l'amour
Montre ton dévouement afin que tu touches la prospérité
Si tu n'es pas invité, ne cherche pas l'union
Jame-Jam ne te servira pas, si tu ne peux pas voir la vérité*



طغیان عشق از دیو پر
ارادتی بستانا سعادت می بر

ارادتی بستانا سعادت می بر

سعد نظر بی صفا
زیندگار کاه بی صفا

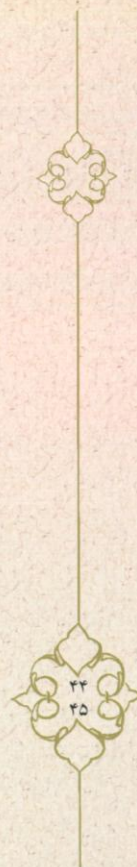
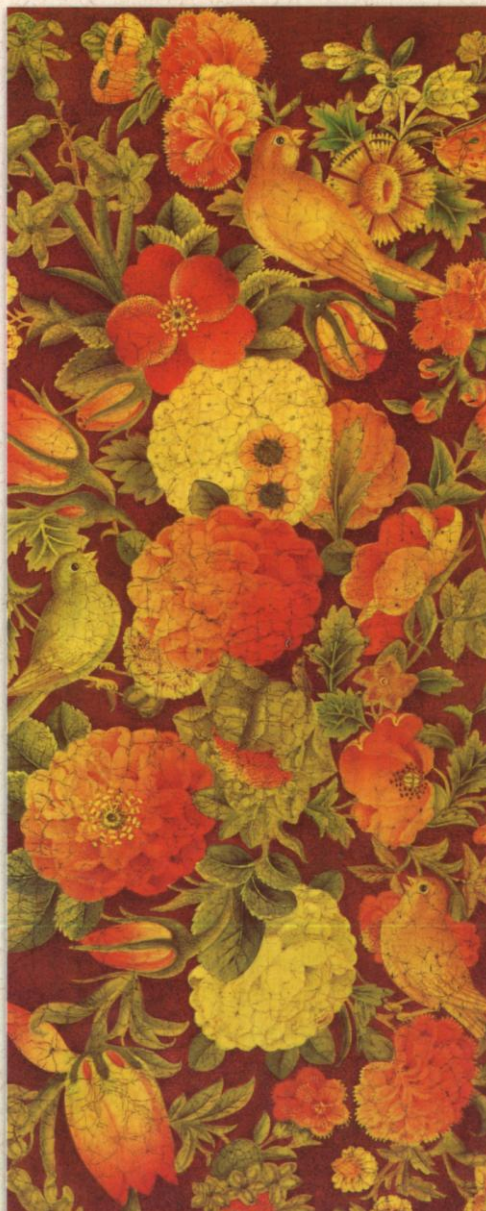
که جام

کتابخانه

*A Selection of
Imam Ali (ؑ)'s
Commandments to
Malik Ibn Ashtar*

Quelques passages des ordonnances et commandements

*d'Imam Ali à
Malek Ashtar Nakhai*



گزیده‌ای از فرم‌ها
حضرت علی (ع)
با کشتی نوحی



O. Malik, try to love people and feel pity for them, and not to be a beast in thirst for their blood, since if they be Muslim, they are your religious brothers, and if not, they are human beings as you.

O. Malik, never think of you as great as Allah, for Allah mortifies and depreciates all tyrants and self-worshippers.

O. Malik, help people in their need, for they are the guardians of the religion and defenders of the land. Love them and try to provide for them their needs.

O. Malik, never ignore the trivial request of people due to your great engagements, since every work, small or great, is important in its own place.

O. Malik, Allah's Prophet repeated many times that: those people who do not take the right of the oppressed from oppressor and stand in hesitation with no excuse, are not deserved of honor and praise.

Ô Malek Efforce toi d'aimer tous sans exception et d'aider qui ce soit. Ne soit pas de ceux qui sont avides du sang du peuple, qu'ils soient de ta religion ou pas peu importe, en premier lieu ce sont des êtres humains.

Ô Malek Ne soit jamais orgueilleux, tu ne te verras jamais comparable à Dieu. Sache qu'en vérité Dieu punira celui qui est préoccupé par lui-même et que leur place sera au très fond de l'enfer.

Ô Malek Comprend le peuple qui est le protecteur de la religion et du pays. Aime les et exauce leurs vœux.

Ô Malek Lorsque tu es préoccupé par d'autres choses, ne considère pas les petites demandes du peuple sans importance. Quelques soient leurs demandes petites ou grandes, ils ont toujours de l'importance.

Ô Malek Le prophète de Dieu maintes fois disait ce-ci : Si un peuple puissant sans raison ne porte pas de secours à un peuple en détresse, il ne mérite pas de respect ni d'attention.

گزیده‌ای از فرم‌های
حضرت علی (ع)
یا لک شت نخعی

ای مالک! بر آن شت دوستدار و دوزخ‌دوم‌باشی، نه درنده‌ای که تشنه‌ی آن است
زیرم‌دم اگر مسلمانند که بمکش آن تو اگر مسلمان هم نباشند بمنو عانتند

ای مالک!

مباد و در آن خط بزرگ تو بامپداری که خداوند هر چه در کامکان خود بزرگ بنیای آنی

ای مالک!

توده‌دم ادریب که گنجهان دین گنجه‌دار کشورند، آنان اودست بدست‌های آن

ای مالک!

کارهای کوچک‌دم بهانه‌ی اشتغال است بزرگ خود نادیده، زیر هر کاری چوب‌ک که چوب‌ک است

ای مالک!

بار پانیا بر خدایان ای گفت که: بیتی که بی درنگ و بدن بهشتی ضعف از تو نیست

شایسته احترام و شمشیر نیست

O. Malik, preserve the life of the people, lest one's blood gets shed unjust, for no guilt can cause the wrath of God, loss of life and loss of possess more than this. And God on the Judgment Day will start His judgment with asking about the blood of the people.

O. Malik, turn your back to the one who excessively and more than others is in tracing the others' faults, and make him disappointed, for no people is free of fault or flaw, while the ruler must try to keep people's flaws unveiled.

O. Malik, people are divided into some classes and trades of which all are essential in their own place and none make us needless of the others.

O. Malik, test forget the people of lower classes, those who cannot find a solution to their problems, those poor, in need, old and weak. Test drunkenness from your position makes you ignorant of what befalls upon the poor. Being busy with important affairs does not give you an excuse to forget them. Do not turn your back upon them and do not behave them indifferently. Give a hand to the ones who are unable to meet you, the ones made scorned by the people.

Ô Malek Prend soins de la vie du peuple, attention qu'aucun sang ne soit coulé par l'injustice. Le plus grand péché aux yeux de Dieu est de verser le sang de l'innocent et son châtiment sera immense. Sache que dans le jugement dernier Dieu jugera le sang coulé par l'injustice.

Ô Malek Eloigne toi de celui qui ne voit que les défauts des autres, nul n'est sans défauts. Celui qui gouverne sur le peuple a le devoir de couvrir les défauts de son peuple.

Ô Malek Le peuple et les citoyens se divise en plusieurs catégories, chaque niveau a une nécessité d'être. Aucun de ces rangs ne pourra se détacher des autres et ils ont besoin de coexister mutuellement.

Ô Malek Attention à ne pas oublier les pauvres de ta société. Ceux qui n'ont pas de solutions à leurs maux. Ces pauvres, ces êtres du besoin, ces personnes âgés et infirmes. Prend garde que l'ivresse du pouvoir ne détourne pas ton attention. Bien que tu aies des choses très importantes à t'en occuper, sache qu'aucune excuse ne te sera acceptée. Ne les abandonne jamais, reçois les chaleureusement, prend soins d'eux, pour qui tu restes intouchable. Aux regards des autres ils restent des gens sans importance ni de valeurs.

ای مالک ؛

مواظب جان مردم باش مبادا خونی بناحق رنجیت شود؛ که هیچ گس ای باندازه رنجیت غنی باحق
موجب خشم و بازخواست خداوند و زوال جان مال انسان نمیکرد. و خداوند در رور قیامت او را
خود را از خون زیر پای مردم آغاز خشم کرد؛

ای مالک ؛

کسی که پیش از همه بدنبال عیب ایراد مردم باشد؛ و در پیش از همه ناخوش در روز
دور کن؛ زیرا مردم بی عیب اشکال نخواهند بود؛ و حاکم پیش از دیگران باید بر عیوب مردم کرده پوشی کند.

ای مالک ؛

ملت مردم به چندین طبقه و صنف تقسیم می شوند که همه آنها در جای خود مورد نیازند و هیچکدام از طبقه
مارا از دیگری بی نیازی نمیکنند.

ای مالک ؛

زنها که از طبقه پائین مردم غافل منانی؛ آنان که چاره در خود ندارند آن بیمه
دنیا زندان پیران زمین گیرند. مبادا سرستی مقام تو را از حال بجا چکاننجیب سازد و تو
بخاطر کارهای مهم، از پر دختن آمان معدوم نیستی. از آنان که گردان با آنان سر بخور کن
به فریاد کسانی برس که دستان تو نمیرسد؛ اما که مردم خوارشان اشتبه بی مقدارشان نمینند.

O. Malik, nothing more than tyranny can cause God's gifts lessened and His wrath befallen upon us, for God is the Supporter to the oppressed and the Punisher for the oppressor.

O. Malik, do not make a great distance between you and your people for it actually is rendered as a hard taking to them and being ignored of their problems. As a result of this distance it will be that rulers regard ignorantly unimportant events important, and take important as unimportant, the ugly then turns into the beautiful, and the beautiful into the ugly. And they, the rulers, will be left unable to make a distinction between the right and the wrong.

O. Malik, those relatives and households of the ruler want more and make themselves prior to the others violating their rights. Turn them away from yourself and make them disappointed of this to avoid such problems.

O. Malik, if people find you cruel and in search of your own profit, talk to them about your own way of life to stop them suspecting you. By this you behave yourself and make yourself a companion to them.

O. Malik, never reject the peace offered by your enemy since peace, with which God is satisfied, brings the army a chance to repose, and the land, a security.

Ô Malek Rien d'autre qu'oppression du peuple ne mérite d'être puni par Dieu. En vérité le châtiment le plus grand touchera l'opresseur sans attendre.

Ô Malek Ne t'éloigne pas du peuple car en t'éloignant, tu leurs rend la vie difficile ainsi tu reste sans nouvelles d'eux et tu ne saura pas leur difficultés. En effet c'est à cause de l'éloignement du peuple que les gouverneurs prennent les choses sans importance à la place des affaires importantes. Le laid devient magnifique et à ce point, ils deviennent incapable de juger et de rendre la justice et demeure ignorant.

Ô Malek Sache que les proches et la famille sont des êtres avides et cherche à s'enrichir de plus en plus. Ils anéantissent le droit d'autrui. Chasse les et désespère les, afin que tu ne sois pas occupé par ces malfaiteurs.

Ô Malek Si le peuple t'accuse d'être injuste et profiteux, rencontre les et informe les de ta situation t'exprime ouvertement pour qu'il puisse comprendre tes raisonnements et qu'ils laissent les idées négatives. De ce fait tu t'es éduqué et tu as pu garder le peuple de ton côté.

Ô Malek Jamais ne refuse pas la proposition de paix venant de ton ennemi, car la paix est acceptable par Dieu. La paix apporte la tranquillité à ton armée et la sécurité à ton pays.

ای مالک ؛

بیج کاری به اندازه ستمکاری باعث زوال نعمت و نزول غضب خداوند نمی گردد زیرا
خداوند فریاد رس ستمدیده گان بود و دیکین ستمکاران است

ای مالک ؛

زیاد از مردم فاصله بگیر که این کار و حقیقت نوعی سخت گیری به مردم و بی حسبری از
مشکلات آنان است و از این فاصله هست که فرمانروایان از روی نا آگاهی حوادث کوچک را
بزرگ شمرد و بزرگ ناخیر انکارند زشت نباشد و زیبا زشت میگرد و آنان دشمن حق از طبل در میزند

ای مالک ؛

خویشا ندان اطرافیان هر سیری افزون خواهی کرده خود را پیش انداخته و حقوق دیگران تجاوز میکند
آنان از خود دور کن تا امیدشان بگردان تا این گونه سپایداران داشته باشی

ای مالک ؛

اگر مردم تو را ستمکار و سود جو پنداشتند وضع خود را برای آنان توضیح بده تا جایی که در اثر توضیحات
آرمان بدوست بردارند؛ تو باین کار خود را ادب کرده و با مردم همراهی کنی

ای مالک ؛

یک چکاچه پیش نهاد دشمن را که مورد رضایت خداوند است رد کن زیرا صلح زمینه ای برای
آسایش لشکر و آرامش تو و امنیت کشور آماده می سازد

O. Malik, make more consultation and negotiation with the knowledgeable and expert ones in order to make the land developed. Meanwhile, preserve the previous order and tradition as well.

O. Malik, test, in what everyone has a share, make yourself prior. Test towards what occurs in the society show yourself ignorant when contrary you should be aware of.

O. Malik, be so meticulous when choosing your agents, and do this based on their abilities not on their relation with you, else you have stepped in the way of cruelty and treachery.

O. Malik, make much of an effort in behaving with people around you properly to teach them to avoid flattery and praising you for unreal and fake heroics since their flatteries make one self-absorbed and rebellious.

O. Malik, The best and the supreme factor in making a ruler delighted is establishing justice and being loved by his people.

Ô Malek Prend tes consignes auprès des sages et des savants afin que tu puisses améliorer les conditions de ton pays et de pouvoir retrouver l'ordre précédant.

Ô Malek Attention à ne pas te privilégier sur ce que le peuple est associé. Ne sois jamais ignorant des affaires de la société et reste toujours informé sur tous.

Ô Malek Choisis avec attention et la bienveillance tes conseillers, choisis les à partir de leurs savoir faire et non pas les liens de parentés et d'amitiés. Si non tu ouvriras la voie aux vices et aux injustices.

Ô Malek Eduque tes subordonnés avec sagesse afin qu'ils soient éloignés de toute sorte de flatterie. Attention à ce qu'ils ne fassent pas de toi un faux héros, car les flatteries et des mensonges rendent l'homme orgueilleux et rebelle.

Ô Malek Si les gouverneurs établissent la Justice, ils attireront les plus grandes Joies, et ils seront aimés par le peuple.

ای مالک ؛

هر چه بشیر باد انما فی کار شناسان بشورت و گنجوشین تن وضع کشور را بخت شد و نظم پیشین را بر پای داری .

ای مالک ؛

مبادا در چیزی که بجان جسم حق دارند خود را مقدم بداری ، و مبادا نسبت جودت جامعه که باید از آنها غافل نباشی ، خود را نا آگاه نشان دهی .

ای مالک ؛

کار گزارانت ابا وقت برگزین ، بر اساس توان کارشان ، نه دستگیرها و دستگیریتان بحدیکه
و کر نه را دست خیم خیانت پریش گنفتد ای

ای مالک ؛

در تربیت اطرافیان سخت کوشا باش تا جایی که از هر گونه چاپلوسی چرینر کرده را با قهرمانان زینیا
دروغین نستانند زیر چاپلوسی اطرافیان ، انسان اودچار خود بینی گردن کشی کمند .

ای مالک ؛

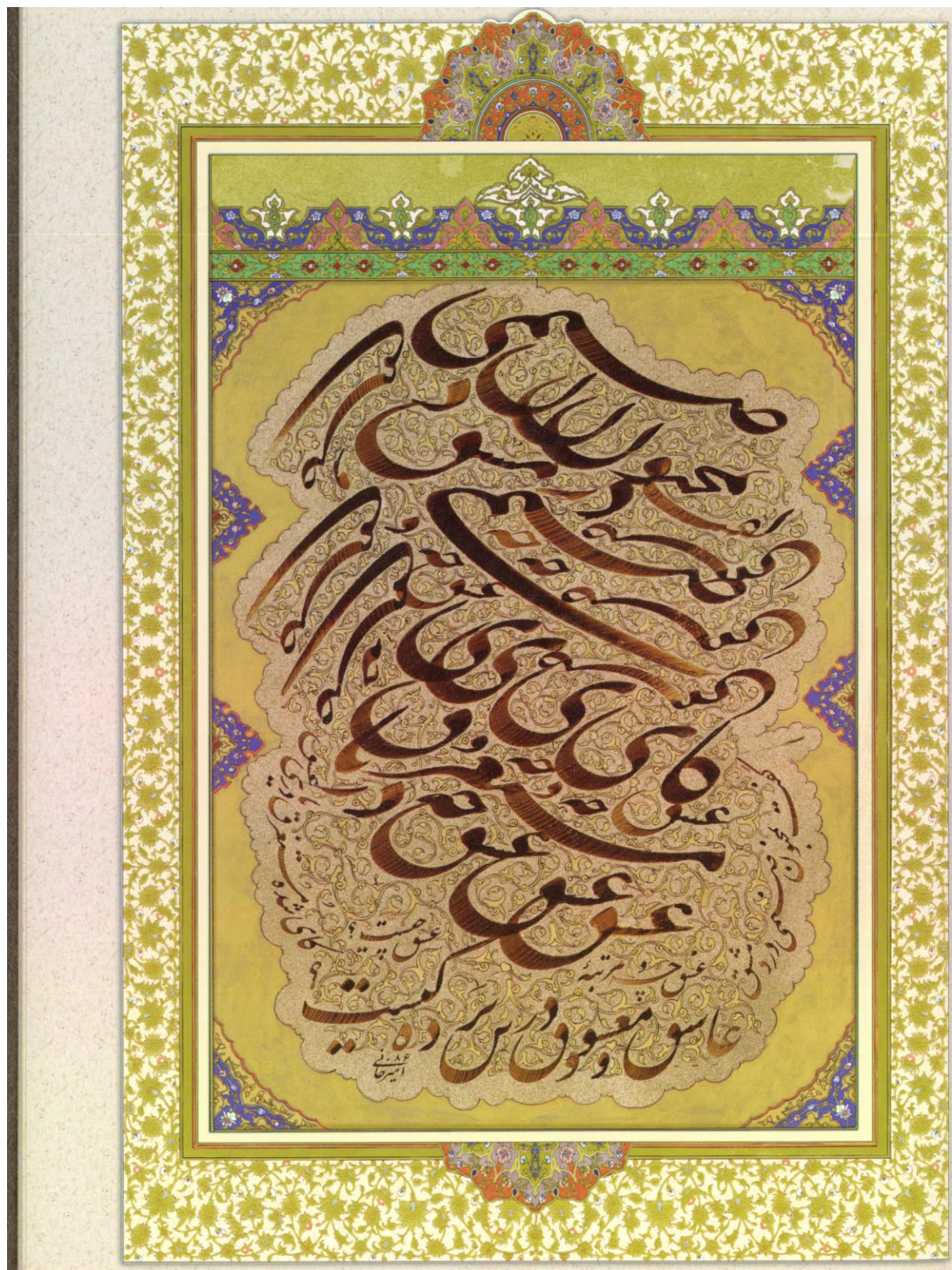
برترین و بهترین عامل دنیوی خاکمان است که عدالت ابر پای داشته
و مردم وستان بدانند .

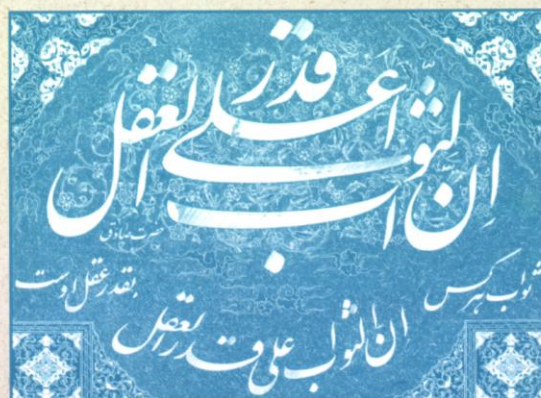


*To Majnoon a lover in Damascus said:
"O you, engulfed in the Love Sea
Who the lover is, who is the Beloved?
What is love and what its degree?"*

*Une idole de majnune lui demande un jour
Ô toi perdu dans l'océan de l'amour
Qu'est-ce l'amour, quel est son rang
Qui sont l'amant et l'aimé dans ce monde*





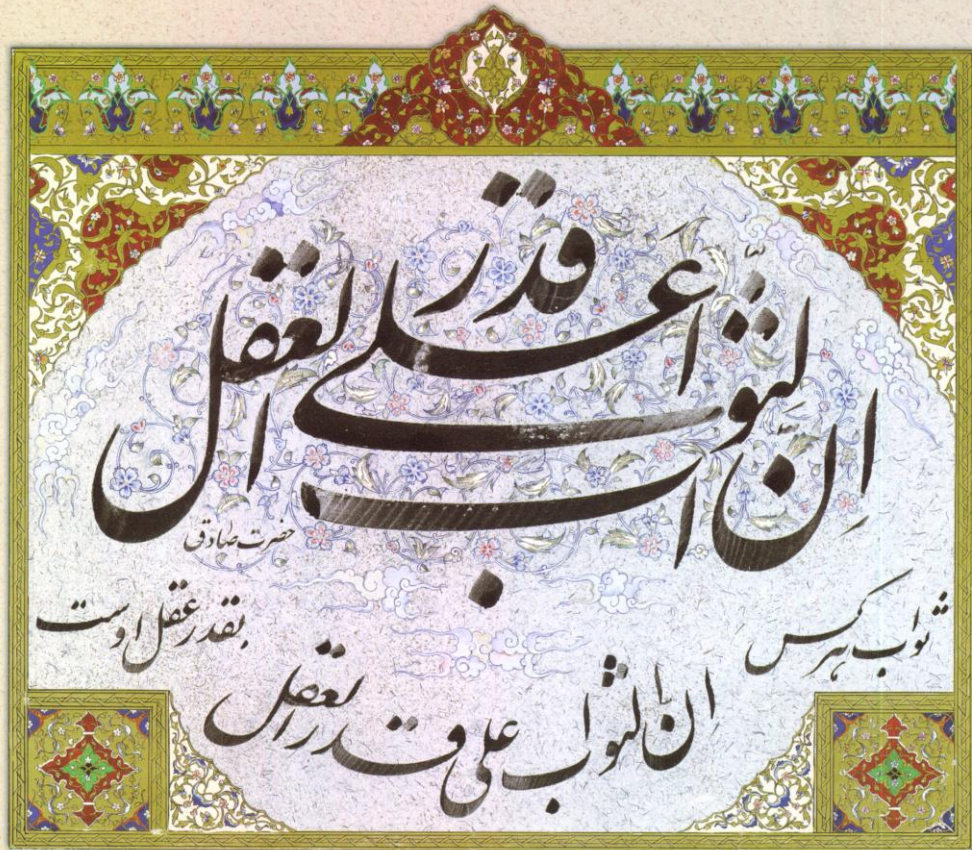


Imam Jaafar Sadigh:

Everyone worth as much as his own wisdom

Imam Jafar Sadeq:

La vraie valeur de chacun est égale à son niveau d'intelligence.



Khajeh Abdollah Ansari:

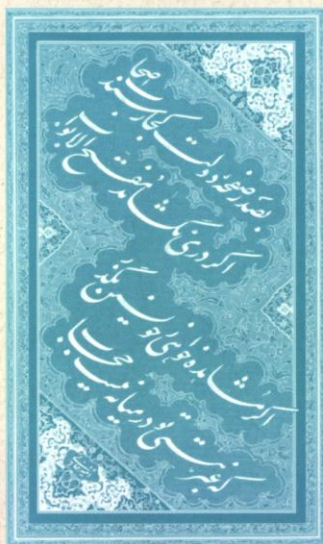
O the Beloved, You are that Unique Matchless One, that Powerful Guardian. You know everything, and can behold all from wherever You are. Of faults You are free, of partner needless. You are the Cause of every cure, the Cure to all hearts, the King of the kings, wearing the crown of the greatness, Leaning on the throne of the Divine Heaven You are, at the top of needlessness. It deserves You the oration of divinity and You are the Right One to live in that Holy Land. O God, in the highest glory You are Gracious, in the highest perfection You are Pure. You are in need of no place, nor in desire of time. No one resembles You, and You resemble to no one. It is evident that You are inside our soul and our soul finds life from You.

des paroles de khajeh abdullah Ansari:

Ô Dieu, l'incomparable, l'unique, le tout puissant. Tu connais tout et tu vois tout. Tu n'as aucun défaut, tu resteras toujours unique. Tu es l'essence de tout remède, tu es l'âme sœur de tous cœurs. Tu es le Roi l'ordonnateur et couronné de la couronne divine. Assise sur le trône du gloire, tu n'as nul besoin d'autrui, tu mérites le sermons de divinité. Que ta majesté est immense Ô Dieu de gloire. Tu n'as nullement besoin d'abri et tu n'as aucun regret pour le temps. Nul ne pourra t'être comparé et tu restes toujours l'incomparable. Tu sièges dans l'âme, ô que l'âme vie grâce à toi.

از کلمات
خواجہ عبداللہ اصرار

الہی کی تیا سی بی عتمائی و تیموم توانائی برہمہ چیردانی
و درہمہ حال بینائی و از عیب مصفائی و از شرکای مبراے
اصل سروائی جان داری لہائی، شاہنشا فرمان فرماے
مغز تاج کبریا بی تخت عرش معلائی منشدین تنفعاے
خطبہ الوہیت انسانی بتوزید ملک خدائی الہی جلال رحمانے
و در کمال سبحانی نہ محتاج مکانی نہ آرزو مندرمانے
نہ تو بکس نانی نہ سس تو باند پیدست کہ در میان جانبے
بلکہ جان زندہ چیر نیست کہ تو آئی .



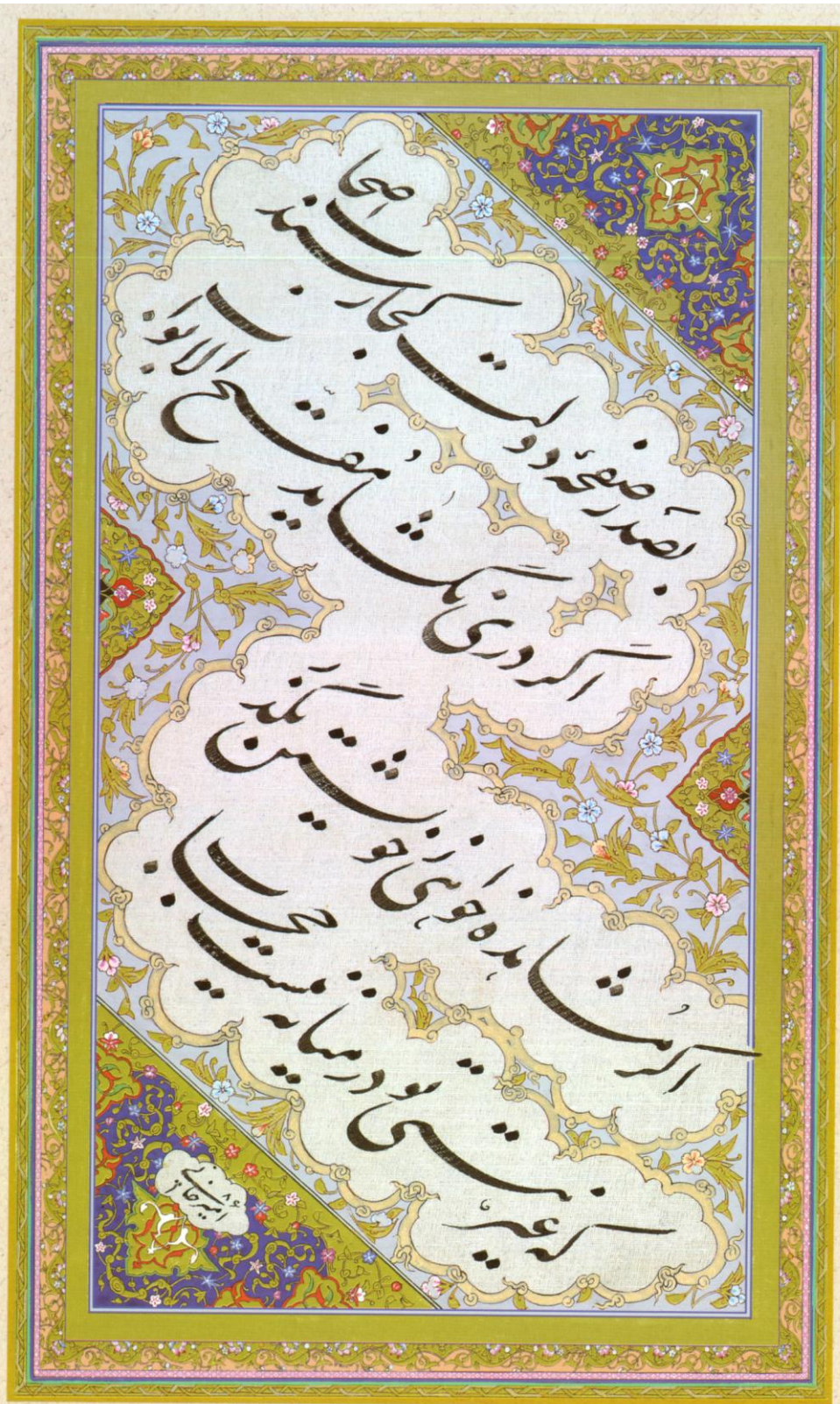
Mansoor Hallaj

*How could get to the apex of success the follower
Were He not to open the door, The Door Opener
Pass from yourself, if seeing Him wish you
The veil found there is no one else but you*

Mansoor Hallaj:

*Comment pourraient ils arrivés aux sommets du désir
Si le tout puissant n'ouvrira les portes
Si tu souhaite le rejoint dépasse toi, toi-même
L'obstacle à cette union ce n'est que toi-même*







Rumi :

*From Ali have you Zolfaghar inherited
Reveal it to us then if your power is his
Of Messiah if you have a miracle learned
O the liar, where his breathe then is?*

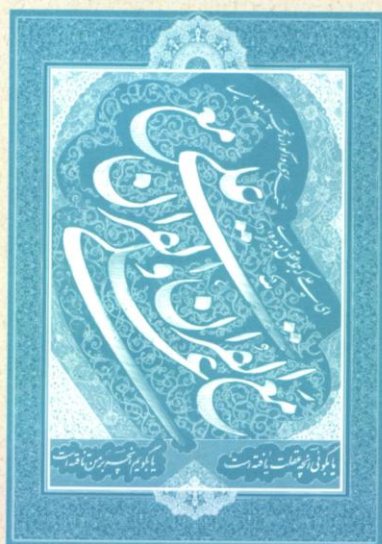
Rumi:

*Tu te ventes d'avoir le sabre Zolfaghar l'héritage d'Ali
Si tu as la force de ce lion divin, apporte le
Si tu te souviens de l'un des magies de christ
Toi l'imposteur, où est la beauté des lèvres et des dents de christ*





از علی پرست
بازوی پرست
گرفت
و زندان عجبی
کرد



The root of Ali's thought and behavior is the Quranic lessons and the image of the Quranic teaching is in Ali's friendship.

Le fondement des réflexions et le comportement d'Ali se trouvent dans le Coran, et l'image des leçons du Coran se trouve dans son rôle du gardiennage de la foi.

